

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

راستی را! چرا رهبر معظم انقلاب «حفظه الله» فرمودند: «من دیپلمات نیستم، من انقلابی‌ام»؟ مسلم نخواستند با این جمله جایگاه دیپلماسی را نفی و یا تضعیف نمایند، بلکه خواستند جایگاه مسئولیت‌ها را مشخص نمایند و روشن کنند خودشان به عنوان رهبر انقلاب چه جایگاه و مسئولیتی به عهده دارند. در این رابطه خوب است عزیزان به موارد زیر فکر کنند:

۱- مسئولان اجرایی در قوای سه گانه، هر کدام وظیفه و جایگاهی دارند که باید طبق قانون به آن وظایف پردازند ولی وظیفه رهبر انقلاب، حفظ هویت انقلاب اسلامی است، به عنوان حرکتی که کلیت نظام را در مقابل خطر استحاله در فرهنگ استکباری حفظ می‌نماید و سعی در تربیت انسان تراز انقلاب اسلامی دارد، تا انسان‌ها به خصوص ملت ایران، هویت از دست‌رفته‌ی خود را باز یابند.

۲- مسلم است آن‌جایی که دولت یا مجلس و یا قوه‌ی قضائیه از جهت‌گیری کلی خود غفلت کنند، این رهبر انقلاب‌اند که وظیفه دارند متذکر آن امر شوند، ولی رویهمرفته سعی رهبر انقلاب عدم دخالت در امور سه قوه است و آن‌ها هستند که باید مسئول کار خود و مسئول کوتاهی‌های خود باشند و هرگز نمی‌توانند به بهانه‌ی آن‌که رهبر انقلاب مانع انحراف آن‌ها از اصول انقلاب شده‌اند، نتایج کوتاهی‌های خود را به دوش رهبر انقلاب بیندازند.

۳- بصیرت رهبر معظم انقلاب «حفظه الله» با نظر به جمله‌ی «من دیپلمات نیستم، من انقلابی‌ام» آن است که متوجه‌اند آن چیزی که سرنوشت یک ملت را به صورتی متعالی به ظهور می‌آورد، روحیه‌ی مجاهده و سلحشوری در مقابل جهان کفر و شرک و استکبار و جهالت است و بدین لحاظ است که حضرت حق، نه تنها به روح و روحیه‌ی مجاهدان قسم می‌خورد، حتی به نفس، نفس‌زنان اسبان آن‌ها و به جرعه‌هایی که در اثر برخورد نعل اسبان‌شان به سنگ‌ها پیدا می‌شود، قسم یاد می‌کند و می‌فرماید: «وَالْعَادِيَاتِ ضَبْحًا * فَالْمُورِيَاتِ قَدْحًا» (عادیات ۱ و ۲).

۴- خدایی به نفس، نفس اسبان مجاهدان و جرعه‌های حاصل از نعل اسبان آن‌ها قسم می‌خورد که کمال مطلق است و کمال مطلق جز به کمال مطلق به چیز دیگر نظر ندارد و این نشان می‌دهد خداوند در حرکت مجاهدان، خود را در آن صحنه‌ها به نظاره می‌نشیند، زیرا حرکت مجاهدان، حرکتی است در راستای به ظهور آوردن خداوند در تاریخ و حضرت حق در ادامه‌ی آیات سوره‌ی مبارکه‌ی عادیات پس از قسم‌هایی که با نظر به صحنه‌های فعالیت مجاهدان یاد می‌کند، متذکر می‌شود که چگونه می‌شود انسان از چنین نقشی در زندگی خود غفلت می‌کند و به شدت گرفتار حب دنیا و حب مال می‌شود. می‌فرماید: «إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنُودٌ * وَإِنَّهُ عَلَىٰ ذَلِكَ لَشَهِيدٌ * وَإِنَّهُ لِحُبِّ الْخَيْرِ لَشَدِيدٌ» (آیات ۶ تا ۸).

۵- آنچه سرنوشت یک ملت را به سوی سعادت تغییر می‌دهد، برگرداندن خداوند به مناسبات اجتماع است و این با انقلابی بودن و با مجاهده و جهاد در مقابل دشمنان خدا و دشمنان انسانیت محقق می‌شود و نه با دوستی نسبت به آن‌ها و لذا خداوند در خطاب به مؤمنین می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَخْذُوا عَٰدُوِيَّ وَعَدُوَّكُمْ أَوْلِيَاءَ تُلْقُونَ إِلَيْهِم بِالْمَوَدَّةِ...» (ممتحنه ۱).

۶- رهبر معظم انقلاب «حفظه الله» برای حفظ حرکت توحیدی که از طریق انقلاب اسلامی و جان‌فشانی شهدا به ظهور آمد، با جمله‌ی «من دیپلمات نیستم، من انقلابی‌ام»؛ به سیره‌ی حضرت ابراهیم «علیه السلام» و یاران آن حضرت عمل نمودند. آن‌جا که حضرت حق به مسلمانان می‌فرماید: «قَدْ كَانَتْ لَكُمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ فِي إِبْرَاهِيمَ وَالَّذِينَ مَعَهُ إِذْ قَالُوا لِقَوْمِهِمْ إِنَّا بُرَآءُ مِنكُمْ وَمِمَّا تَعْبُدُونَ مِن دُونِ اللَّهِ كَفَرْنَا بِكُمْ وَبَدَا بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمُ الْعَدَاوَةُ وَالْبَغْضَاءُ أَبَدًا حَتَّىٰ تُؤْمِنُوا بِاللَّهِ» (ممتحنه ۴) رهبر انقلاب نه تنها ابراهیم‌وار برائت خود را از دشمنان خدا و

دشمنان انسانیت اعلام می‌کنند، بلکه اظهار می‌دارند که بین ما و شما دشمنی و کینه برای همیشه برقرار است به همان معنایی که دائماً متذکر می‌شوند دشمنی با آمریکا را فراموش نکنید.

۷- ملتی که بخواهد آزادانه خودش سرنوشت خود را به‌دست گیرد، باید با روحیه‌ی حماسی در صحنه باشد، تا مردم خودشان برای خود تصمیم بگیرند و نه دشمنان آن‌ها در امورات آن‌ها دخالت کنند.

نقش تربیتی رهبر انقلاب در آن‌جا است که ملتی سلحشور و حاکم بر سرنوشت خود تربیت کنند و این کاری است ماورای آنچه در مدارس و دانشگاه‌های ما شکل می‌گیرد. در مراکز آموزشی عموماً افراد جهت کارهایی که جامعه‌ی جدید نیاز دارد، تربیت می‌شوند که متأسفانه مراکز آموزشی استعمارزده از همین کار هم باز مانده‌اند. ولی رهبر انقلاب، یک ملت را در ابعادی بس متعالی مورد خطاب قرار می‌دهند تا آن‌جا که یک ملت است که جلو می‌رود و در انواع توطئه‌ها می‌تواند پایدار بماند و نقشه‌های دشمن را خنثی کند به طوری که إن شاء الله نه تنها دشمنان از ادامه‌ی توطئه مأیوس می‌شوند، بلکه با ظهور ناتوانی استکبار، افول ابر قدرتی آن به ظهور آید.

۸- مسئولانی بودند که متوجه‌ی جایگاه حضور تاریخی انقلاب اسلامی نبودند و معنای حضور ما در لبنان و سوریه را متوجه نمی‌شدند و گمان می‌کردند ما اگر به خود پردازیم و کاری به کار نظام استکباری نداشته باشیم، می‌توانیم سر به سلامت ببریم. غافل از آن که اگر ما هم کاری به کار استکبار نداشته باشیم- که این با هویت انقلاب اسلامی ناسازگار است- استکبار با روحیه‌ی تمامیت‌خواه خود اجازه نمی‌دهد ما سرنوشت خود را به‌دست بگیریم. آری! بر فرض هم که چنین می‌شد و رهبر انقلاب به توصیه‌ی آن‌هایی که معتقد بودند ما در مقابل استکبار کوتاه بیاییم، عمل می‌کردند، نهایتاً ما کشوری می‌شدیم مانند ترکیه، که مشکلات امروزین را نداشتیم ولی مسلّم چیزی به نام انقلاب اسلامی در میان نبود و آن معنایی که امروز ما از خود در جهان داریم و عامل احساس هویتی متعالی برای ما است؛ شکل نمی‌گرفت و هرگز از آن احساس غرور و سرافرازی که با حاج قاسم‌ها برای ما پیش آمد، خیری نمی‌شد و این یقیناً با خرد اسلامی- ایرانی ما نمی‌خواند و رهبر انقلاب حافظ چنین هویتی برای این ملت بودند تا ما در این جهان گرفتار بی‌معنایی که ملت‌ها امروزه به جهت سرافکنندگی حاکمان‌شان در مقابل استکبار، در آن گرفتارند؛ نباشیم.

۹- چه اندازه حکیمانه رهبر انقلاب در مقابل آن‌هایی که با روحیه‌ی حق به جانب، اصرار بر نظرات خود داشتند تا ما را به غرب و آمریکا نزدیک کنند و گمان می‌کردند مشکلات را به کمک غربیان می‌توانند حل کنند، با مدارا برخورد کردند، تا معلوم شود جریان استکبار هرگز تا ما تماماً در اختیارش قرار نگیریم، از ما راضی نمی‌شود. آری! آموزگار واقعی کمک می‌کند تا ملت بتواند از خودبیگانگی‌های یابد. آموزگار واقعی، ما را از خود نمی‌ستاند بلکه ما را از «خود کاذب» می‌رهاند تا به «خود راستین» برساند و این با دشمن‌شناسی و تأکیدات سال‌های متمادی رهبر معظم انقلاب در این امر ممکن شد. آیا جز این است که مریبان واقعی کسانی‌اند که ما را از توهمات امید به دشمن آزاد می‌کنند تا به سوی خودمان باز گردیم؟ به همان صورتی که رهبر انقلابی ما با جدیت تمام در این امر به ما کمک کردند. آیا او بهترین دهنده در این میدان به سوی حقیقت نبود؟ چه بی‌انصاف‌اند سیاسی‌زدگان که کوتاهی‌ها و علت بی‌ثمری برنامه‌ها و تئوری‌های خود را از رهبر انقلاب مطالبه می‌کنند.

۱۰- آری! ما با حضور در تاریخ انقلاب اسلامی بنا نیست «دیگری» را به خودمان تبدیل کنیم و یا «دیگری» را به خودمان فرو بکاهیم. در این کار، در عین آن‌که به نوعی خودمرکزبینی غیر اخلاقی وارد می‌شویم، عملاً از حضور «وجود» در مظاهر مختلف انسانی غفلت می‌شود. در حضور تاریخی انقلاب اسلامی، ما به دنبال فهم غیر خود هستیم بدون آن‌که بخواهیم همه مانند ما فکر کنند، بلکه به دنبال تذکر به چشم‌اندازی هستیم که انقلاب اسلامی برای آینده‌ی ما و بشریت متذکر خواهد بود و رهبر معظم انقلاب «حفظه‌الله» به خوبی متوجه‌ی این نقش برای خود هستند.

۱۱- حضور در تاریخ انقلاب اسلامی، یعنی ایمان به ایمانی که تا حال با آن به سر می‌بردیم، به همان معنایی که حضرت حق می‌فرماید: «یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا آمِنُوا» (نساء/۱۳۶). سنگینی این ایمان از آن جهت است که باید در گذشته‌ی خود نمایم و از شرایطی که همه چیز معنای دیگری به خود گرفته، هراس به خود راه ندهیم. گشوده‌شدن در عالمی که هرچیز در معنای این ایمان تازه، معنای اصیل‌تری به خود می‌گیرد، ایمانی است که مؤمنین آخرالزمانی بدان منور هستند و با به ظهور آمدن انقلاب اسلامی، حقیقت در چشم‌اندازی که توحید در مقابل انسان می‌گشاید، خود را ظاهر می‌کند و رهبر معظم انقلاب با توجه به این امر متوجهی چنین حضوری برای آینده‌ی انقلاب اسلامی هستند.

۱۲- بشر امروز نقاب‌هایی که بعضی از انسان‌ها به عنوان «ایمان» بر چهره می‌زنند را می‌شناسد و چون نمی‌تواند آن نوع ایمان را انتخاب کند، در دو راهی کفر و یا ایمان حقیقی قرار می‌گیرد و بین این دو نوع شخصیت سرگردان است، گاهی این است و گاهی آن، تا آن‌که با نظر به انسان کاملی که حضوری جهانی دارد، احساس کند خود را پیدا کرده است و انقلاب اسلامی درست بستر ظهور انسان کاملی است که هرکس می‌تواند او را وجه برتر خود احساس کند. مهم نیست حضور چنین انسانی چه مدت طول بکشد، مهم آن است که فرهنگی ظهور کرده که انسان می‌تواند بدون نقابی از ایمان که بر چهره می‌زند، به ایمان خود ایمان داشته باشد و بفهمد:

آتش زهد و ریا خرمن دین خواهد سوخت حافظ این خرقه‌ی پشمینه بینداز و برو

۱۳- رهبری که خواست برای حفظ انقلاب، انقلابی بماند و نه دیپلمات، می‌داند افق آینده با حفظ هویت انقلابی ملت تا کجاها روشن است و این تنها با روحیه‌ی سلحشوری و مجاهدت و شهادت‌طلبی ممکن است، راهی که توسط حضرت روح الله «رضوان الله تعالی علیه» گشوده شد و ایشان در وصف روحیه‌ی شهادت‌طلبی فرمودند:

«ما برای درک کامل ارزش و راه شهیدانمان فاصله طولانی را باید بپیماییم و در گذر زمان و تاریخ انقلاب و آیندگان آن را جستجو نماییم. مسلم خون شهیدان، انقلاب و اسلام را بیمه کرده است. خون شهیدان برای ابد درس مقاومت به جهانیان داده است. و خدا می‌داند که راه و رسم شهادت کور شدنی نیست؛ خون شهیدان و این ملت‌ها و آیندگان هستند که به راه شهیدان اقتدا خواهند نمود. و همین تربت پاک شهیدان است که تا قیامت مزار عاشقان و عارفان و دلسوختگان و دارالشفای آزادگان خواهد بود.» و فرمودند: ما هنوز در آغاز راه مبارزه‌ایم و نیازمند به مشعل شهادت.»

و این همان روحیه‌ی انقلابی است که حاصل آن عبور از همه‌ی تنگناهایی است که جهان استکباری بر ما تحمیل کرده و مسلم راه دیگری پیش روی ما نیست، هرچند دیپلمات‌ها باید کار خود را بکنند.

۱۴- اگر متوجه شویم رفع مشکلات ما با روحیه‌ی انقلابی ممکن است و نه به روش تئوری توسعه و به عقلانیتی فکر کنیم که ناشی از درک امکانات خودمان می‌باشد؛ جایگاه رهبر معظم انقلاب «حفظه الله» را در این تاریخ و در تاریخی که در آن قرار داریم، می‌فهمیم و می‌فهمیم چرا می‌فرمایند با روحیه‌ی انقلابی و سلحشوری و نترسیدن از مواجهه با تنگناهای استکبار غربی؛ می‌توان به اصالت‌های خود برگشت.

۱۵- همین اندازه باید متوجهی عظمت رهبری رهبر انقلاب شد که به خوبی مواظبت نمودند تا ما در نسبت با فرهنگ خودمان در جهان حاضر باشیم و در کلیت نظام، گرفتار تجددزدگی که نوعی غرب‌زدگی است، نشویم از آن جهت که انقلاب اسلامی نوعی بازگشت به خویشتن است و نجات از خودبیگانگی. هنر رهبری رهبر انقلاب آن بود تا گام‌هایی در این دنیای طوفان‌زده برداریم،

گام‌هایی لازم است که اگر آن گام‌ها در جای خود قرار گیرند، گام‌هایی است آزاد از تجددزدگی که بعضاً دولت‌ها به آن تجددزدگی دامن می‌زدند.

به خوبی می‌بینیم که با رهبری رهبر انقلاب ما راه خود را می‌رویم و در عین حال در جهان حاضر می‌شویم و حضوری را دنبال می‌کنیم که آن حضور در گردونه‌ی جهان استکبار نیست و این است که ما را شدیداً به آینده‌ی خود امیدوار می‌کند. رهبر معظم انقلاب در طول مدت رهبری خود مواظب بودند ما خود را در جایی صورت‌بندی نکنیم که متعلق به فرهنگ و ایمان ما نیست و عملاً ما را از انقلاب اسلامی که راز هویت‌بخشی ما است، جدا می‌کند.

والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته